



مرتضی کویکی

# نکاتی چند درباره مارک ایران

در فصلنامه وزین «پیام کتابخانه» شماره اول سال سوم (بهار ۱۳۷۲) مقاله‌ای درج شده بود با نام: «ایرامارک (IRAMARC) برای تبادل اطلاعات فارسی (طرح پیشنهادی)» که طی آن نویسنده واقع‌بینانه پیشنهاد کرده بودند که باید فرمت مارک ایران را طراح‌ی و آن را برای ضبط اطلاعات کتابشناختی فارسی به کار گرفت. اینجانب که هم اکنون در حال نوشتن رساله دکتری کتابداری خود در دانشکده مطالعات اطلاع‌رسانی، کتابداری، و آرشیدانشگاه نیوساوت ویز هستم مدت دو سال و نیم است که روی طراح‌ی فرمت مارک ایران کار می‌کنم و چون به امید خدا کار در مراحل پایانی است با توجه به مواردی که در مقاله فوق مطرح شده بود صلاح دیدم نکاتی را از طریق آن نشریه وزین به عرض نویسنده محترم مقاله و دیگر علاقه‌مندان برسانم.

متن زیر شامل سه قسمت است: در قسمت اول نکاتی درباره مارک، کاربردهای آن، و لزوم داشتن یک مارک ملی برای ایران مطرح خواهد شد؛ در قسمت دوم، راجع به برخی نکات مطروحه در مقاله توضیحاتی داده خواهد شد؛ و در قسمت سوم به طور مجمل نتایج حاصل از رساله خود را درباره فرمت مارک ایران به اطلاع خواهم رساند.

## مارک چیست؟

مارک (MARC) آغازه‌ای است برای عبارت انگلیسی (Machine-Readable Cataloging) «فهرست‌نویسی ماشین‌خوان». این سیستم که به وسیله کتابخانه کنگره آمریکا طراحی شد و با همراهی سازمان کتابشناسی ملی بریتانیا (BNB) تکمیل گردید امکان خواندن و پردازش اطلاعات فهرست‌نویسی هر اثر مشخص را به وسیله کامپیوتر فراهم می‌کند. در مارک، این امر بدان معنی است که هر رکورد به اجزاء تشکیل دهنده خود تجزیه می‌شود و کامپیوتر به وسیله نشانه‌ای که به هر جزء تعلق گرفته و برچسب (Tag) نامیده می‌شود آن جزء را شناسایی و بر روی آن عمل می‌کند. برای مثال، اثری ممکن است دارای نویسنده اصلی به نام «ابراهیم احمدی» باشد. اگر این نام در کامپیوتر به شکل:

ابراهیم Sh احمدی، 10010Sa



دریافت کننده می‌تواند آنها را بوسیله برنامه مناسب تغییر دهد تا به فرم دلخواه خود درآورد.<sup>۱</sup>

با توجه به کاربرد گسترده مارک در امر تبادل اطلاعات در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز با توجه به کاربرد روزافزون کامپیوتر در کتابخانه‌های ایران، لزوم داشتن یک مارک ملی برای ایران مشخص می‌شود. زیرا از یک سو تبادل اطلاعات کتابداری در سطح کشور، که با عنایت به مشکلات مالی و ارزی، کتابخانه‌ها به شکل یک ضرورت درآمده، به حالت استاندارد درمی‌آید و از سوی دیگر تبادل اطلاعات با سایر کتابخانه‌های ملی و مراکز اطلاعات کتابشناختی در سراسر جهان با سرعت و کمال بسیار بیشتر از گذشته، میسر می‌گردد. درباره مقاله ایرامارک برای تبادل اطلاعات فارسی

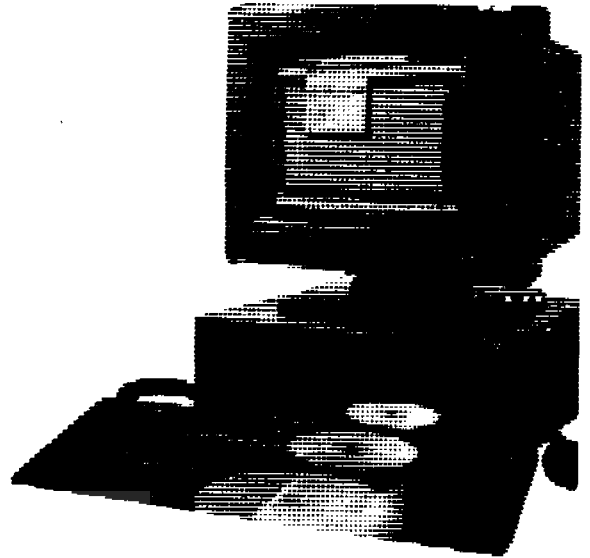
۱. در مورد نام پیشنهادی ایرامارک براساس بررسی‌های اینجانب فرمت یونی مارک با اندک دخل و تصرفی می‌تواند پاسخگوی نیازهای کتابهای چاپی فارسی باشد و در چنین صورتی عرف بین‌المللی ایجاب می‌کند که آن را اقتباسی از یونی مارک بنامیم. کما اینکه فرمت مارک یوگسلاوی سابق که بر مبنای یونی مارک طراحی شده حتی توسط طراحان آن معمولاً اقتباس کراسی از یونی مارک نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> در صورتی که بخواهیم نامی برای فرمت خاص مارک ایران پیشنهاد کنیم به نظر اینجانب ایران مارک بهتر است. این نام را بنده در مکاتبات خود با کتابخانه کنگره آمریکا، برنامه کنترل جهانی کتابشناسی و مارک بین‌المللی ایفلا (IFLA UBCIM Programme)، و سایر مؤسسات کتابشناختی و کتابخانه‌های ملی به کار برده‌ام و تا حدی برای این مراکز شناخته شده‌تر است.

۲. آنچه در قسمت ۱-۲، استانداردهای فرمت رکوردهای مارک آمده بیشتر مربوط به مارک آمریکا است و تازه مارک آمریکا هم در همه موارد از آنها پیروی نمی‌کند. مثلاً مارک آمریکا چندان پایبند قواعد فهرستنویسی انگلو-آمریکن و استانداردهای بین‌المللی کتابنامه‌نویسی (ISBDs) نیست و استاندارد ملی آمریکا برای مبادله اطلاعات کتابشناختی روی نوارهای مغناطیسی که در اصل ساختار رکوردهای پروژه اولیه مارک و مارک دو (MARC II) کتابخانه کنگره آمریکا بود با تغییراتی تحت عنوان:

Documentation :format for bibliographic information interchange on magnetic tape ISO 2709 International Standard

مورد استفاده سایر مارک‌ها قرار گرفت و حتی خود مارک آمریکا هم بعدها استاندارد خود را به ISO 2709 تغییر داد.<sup>۳</sup>

۳. در جایی از مقاله آمده است که «اختلاف فرمت‌های مختلف مارک مثل اختلاف قوانین فهرستنویسی با یکدیگر است.



وارد شود کامپیوتر که برای شناسایی این برچسب و اطلاعات ضمیمه آن برنامه‌ریزی شده، کل این عبارت را به عنوان یک نویسنده با نام خانوادگی یک کلمه‌ای و یک نام کوچک شناسایی، و به شکل درخواست شده بر روی آن عمل می‌کند. اگر تمام عناصر اطلاعاتی یک فهرستبرگه به همین ترتیب نشانه گذاری شوند، در صورتی که اطلاعات، به طور صحیح به کامپیوتر وارد گردند کامپیوتر می‌تواند مطابق برنامه اعمال زیر را انجام دهد:

۱. هر رکورد را تحت یک یا چند سرعنوان خواسته شده (سرشناسه‌ها یا شناسه‌های افزوده چاپ کند و همه مدخل‌ها را به هر شکل دلخواه (مثلاً فرم‌های مختلف برای فهرست نویسنده، فهرست رده‌ای و غیره) مرتب نماید.

۲. همه مدخل‌ها را به یک یا چند نظم دلخواه مرتب کند (مثلاً به وسیله نویسنده یا شماره رده).

۳. شکل نهایی فهرست یا فهرست‌ها را برای رسانه‌های مورد نیاز فراهم نماید (میکروفوم، برگه، شکل کتابی، و غیره).

۴. فهرست‌ها را، با افزایش داده‌های جدید به فایل مرکزی، به شکل خودکار روزآمد سازد، زیرا کامپیوتر فایل مرکزی را در اختیار دارد.

۵. اطلاعات مورد نیاز را از رکوردهای وارد شده استخراج نماید (مثلاً برحسب تقاضا، سیاه‌ای از همه کتابهای پزشکی سوئدی قرن بیستم را که در فایل آن موجود هستند فراهم نماید).

۶. فرمت تبدیلی برای رکوردهای فهرست شده بین یک کتابخانه و کتابخانه دیگری فراهم سازد. این بدان معناست که رکوردها را می‌توان به شکل مارک پایه مبادله کرد و کتابخانه





همان‌طور که کتابخانه‌ها و کشورهای مختلف قوانین فهرست‌نویسی را برحسب نیازهای خود تغییر داده و به کار می‌برند، در مورد مارک نیز اگرچه اساس فرمت آن یکی است ولی هر کشور بر اساس نیازهای خود تغییراتی در فرمت مارک داده است و بر این اساس است که امروزه بیش از ۲۰ نوع فرمت براساس فرمت MARC بوجود آمده است. در این قسمت از مقاله جای تأمل بسیار است. منظور نویسنده از «اساس فرمت» مشخص نشده که آیا ساختار رکورد (Record structure) است، شناساهای محتوا (Content designators) است، یا محتوی داده‌ها (Data contents). در مارک‌های مختلف هر سه این موارد با هم فرق می‌کنند: اگرچه ساختار رکورد همه مارک‌ها یکسان، یعنی ISO 2709 است. اما در همین جا نیز بین مارک‌های مختلف اختلافاتی وجود دارد. مثلاً ساختار رکورد مارک آلمان با سایر مارک‌ها کمی متفاوت است و همین‌طور است ساختار رکورد مارکی که در کشورهای اروپای شرقی به کار می‌رود. شناساهای محتوا نیز با هم اختلاف دارند. مثلاً بلوک 5- در یونی‌مارک برای عنوان مرتبط به کار می‌رود، اما در مارک آمریکا برای یادداشت‌ها در نظر گرفته شده است. رمزهای میدان‌های فرعی (Subfield codes) نیز در بسیاری موارد باهم متفاوتند: مثلاً در مارک آمریکا در میدان 100 که مربوط به سرشناسه برای نام اشخاص است میدان فرعی +b برای شماره گذاری در نام به کار می‌رود اما در یونی‌مارک همین میدان فرعی Sb برای نشان دادن قسمتی از نام به جز عنصر سرشناسه استفاده می‌شود. از همه این‌ها مهم‌تر، اختلاف میان محتوای داده‌ها در مارک‌های متفاوت است که اساسی‌ترین دلیل پیدایش مارک‌های مختلف محسوب می‌شود و تعداد آنها هم اکنون به پنجاه هم می‌رسد. یعنی قواعد فهرست‌نویسی متفاوت مارک‌های متفاوت بوجود آورده‌اند. البته دلایل دیگری نیز سبب پیدایش مارک‌های گوناگون شده‌اند. خانم هنریت ایورم (Henriette Auram) که مسئولیت اولیه در طراحی مارک کتابخانه آمریکا را بر عهده داشته است پیدایش مارک‌های مختلف را ناشی از نقش متفاوت کتابشناسی ملی و کتابخانه ملی، نبود استانداردهای فهرست‌نویسی بین‌المللی، نبود نظام کنترل موضوعی بین‌المللی، مشکلات زبانی، مجموعه نویسه‌ها و رمزهای متفاوت (Character sets and codes)، و القاب‌های غیرلاتینی می‌داند.<sup>۴</sup>

تعداد مارک‌های موجود نیز، همان‌گونه که ذکر شد، به مراتب بیش از آنهایی است که در انتهای مقاله آمده و همچنین مشخص نشده که این ۲۰ نوع فرمت بر چه اساسی تقسیم شده‌اند. بد نیست اشاره شود که مارک‌های موجود در دنیا از نظر شباهت فرمت به سه گروه اصلی تقسیم می‌شوند: مارک‌هایی که بر مبنای مارک آمریکا گسترش یافته‌اند، مارک‌هایی که مارک انگلستان را مبنای کار خود قرار داده‌اند، و مارک‌هایی که بر مبنای

یونی‌مارک طراحی شده و برحسب نیازهای سازمان‌های استفاده‌کننده تغییر یافته‌اند. از این سه مارک، مارک‌های آمریکا و یونی‌مارک جنبه بین‌المللی بیشتری پیدا کرده‌اند، یعنی علیرغم اینکه یونی‌مارک از آغاز برای تبادل اطلاعات در سطح بین‌المللی طراحی شده است، مارک آمریکا به دلیل آن که مورد استفاده پایگاه‌های اطلاعاتی کتابشناختی بزرگی مانند RLIN, WLN, OCLC، و غیره قرار گرفته در سطح بین‌المللی جای وسیعی برای خود باز کرده است. یونی‌مارک در اروپا به‌طور روزافزون گسترش می‌یابد.

مارک از نظر کاربرد نیز به سه گروه مختلف تقسیم می‌شود: مارک برای اطلاعات کتابشناختی (Bibliographic format) مارک برای مستندات (Authorities format)، و مارک برای موجودی کتابخانه (Holdings format).

اما نکته‌ای که در اینجا باید بر آن تأمل شود اختلاف میان مارک‌ها از نظر هدف آن‌هاست. از این نظر مارک‌ها دارای دو فرمت هستند: فرمت‌های پردازش (Processing formats) که به آنها فرمت‌های پردازشی داخلی (Internal processing formats)، و فرمت‌های کاری (Working formats) نیز می‌گویند. فرمت پردازش برای پردازش اطلاعات در یک سیستم معین به کار می‌رود، مثلاً مارک ژاپن (Japan MARC) یک فرمت پردازش است که از آن در نظام کتابخانه‌ای ژاپن و آن هم نه به‌طور سراسری، استفاده می‌شود. هنگامی که مسأله تبادل اطلاعات بین سیستم‌های متفاوت پیش می‌آید، آنگاه فرمت‌های تبادل (Communications formats یا Exchange formats) مطرح می‌شوند که نوع دوم به شمار می‌روند. نکته‌ای که در این‌جا قابل ذکر است این است که هر فرمت پردازش بهتر است بر یک فرمت تبادل مبتنی باشد تا هنگام نوشتن برنامه تبدیلی (Conversion program) بین فرمت پردازش و فرمت تبادل، برای مبادله اطلاعات بین نظام‌های مختلف، برنامه آسان‌تر نوشته شود. فرمت یونی‌مارک از آغاز برای تبادل اطلاعات بین نظام‌های مختلف طراحی شده است و بسیاری از کشورها که فرمت ملی خود را بر یونی‌مارک پایه گذاشته‌اند از همین فلسفه پیروی کرده‌اند. فرمت مارک ایران نیز مبتنی بر یونی‌مارک است.

۴. در قسمت مربوط به خصوصیات فرمت یونی‌مارک، در مقاله آمده است که یونی‌مارک دارای ۹ بخش اصلی (بلوک) است، اما در قسمت بعد ده بلوک ذکر شده است. همچنین مشخص نشده است که آیا از این نظر تفاوتی میان مارک‌های مختلف، مثلاً یونی‌مارک با مارک آمریکا وجود دارد یا خیر. زیرا نظیر همین بلوک‌ها در مارک آمریکا، البته با برحسب (Tag)‌های متفاوت یافت می‌شود. آنچه در مورد یونی‌مارک از این نظر قابل ذکر است آن است که چون این فرمت از آغاز برای



گوناگون مارک به این نتیجه رسیدم که به دلایل متعدد، از جمله این که فرمت یونانی مارک به طور روزافزون مورد استفاده کتابخانه های ملی و مراکز کتابشناختی مختلف قرار می گیرد، و با اعتقاد به این فلسفه که فرمت ملی باید بر پایه فرمت تبادل طراحی شود باید فرمت مارک ایران را بر یونانی مارک بنا کرد. بر همین اصل، مهمترین فصل رساله نگارنده به مقایسه ویژگیهای خاص انتشارات ایرانی (اعم از فارسی، عربی، ترکی، ...) و فهرستنویسی فارسی با یونانی مارک اختصاص یافته است. در این فصل دو مقایسه انجام می گیرد: در مرحله اول، ویژگیهای خاص انتشارات ایرانی را با شناساهای محتوا Content designators (میدان ها، میدان های فرعی، نماینده ها و غیره) در یونانی مارک بررسی کرده و به این نتیجه رسیده ام که یونانی مارک با درصد بالایی پاسخگوی نیازهای خاص انتشارات و فهرستنویسی ایرانی است. البته در اقتباس یونانی مارک برای ایران موارد معدودی تغییرات باید انجام شود که درباره آنها از برنامه کنترل جهانی کتابشناسی و مارک بین المللی ایفلا نظر خواسته ام.

در مرحله دوم مقایسه، دستنامه یونانی مارک را از آغاز تا پایان، با تأکید بر بخش های مربوط به کتاب، با مدخل های کتابشناسی ملی ایران مقایسه کرده ام تا مشخص شود که از نظر ملزومات یونانی مارک، چه کمبودهایی در کتابشناسی ملی ایران وجود دارد و خوشبختانه دریافتم که به دلیل اتکا به استانداردهای جهانی از قبیل ISBD، کتابشناسی ملی ایران با اندک تغییراتی در یونانی مارک می تواند توسط این فرمت ماشینی گردد. در مورد این تغییرات نیز از برنامه کنترل جهانی کتابشناسی و مارک بین المللی ایفلا نظر خواسته ام. همزمان، فرمت مارک کشورهای مانند آفریقای جنوبی، پرتغال، چین، ژاپن، کرواسی، هند و یونان را نیز، به دلیل این که فرمت ملی در این کشورها نیز مبتنی بر یونانی مارک است، بررسی نموده و همچنین نظرات افراد مسؤول در این کشورها را خواسته ام. امیدوارم بتوانم هر چه زودتر نتایج تحقیقات خود را از طریق نشریات کتابداری کشور در اختیار علاقه مندان و مسؤولان قرار دهم.

#### یادداشتها:

1. Ruth Irvine. *MARC for cataloguers: an explanation of its use.* - Southampton: Southampton University Library, 1972, 1-2.
2. میرزا ولیر، مشاور خودکاری کتابخانه ملی و دانشگاهی زاگرب، نامه به نگارنده، ۹/۸/۹۳.
3. Walt Crawford. *MARC for library use: understanding integrated USMARC.* - 2nd ed. - Boston: G.K. Hall & Co., 1989, 308.
4. Henriette D. Avram. "International standards for the interchange of bibliographic records in machine-readable form", *Library Resources & Technical Services*, 20 (1), Winter 1976, 27-29.

تبادل اطلاعات بین سیستم های متفاوت طرح ریزی شده، وجود میدان های مشخصی در هر رکورد، اجباری شمرده شده است.

۵. در قسمتی از مقاله، اشاره شده است که در یونانی مارک قسمت خاصی برای ثبت الفبای غیر لاتین در نظر گرفته شده است. بهتر بود توضیح داده می شد که منظور از این قسمت خاص چیست. لازم به یادآوری است که هر میدان در یونانی مارک، حتی اگر تکرارشدنی نباشد. برای نشان دادن الفبای غیر لاتین می تواند تکرار شود مشروط به اینکه از میدان های فرعی S6 و S7 استفاده نکند. مثال زیر شاید بتواند مطلب را روشن تر سازد. این مثال به طور آزمایشی یکی از سرشناسه های مورد استفاده در کتابشناسی ملی ایران را در میدان ها و میدان های فرعی یونانی مارک قرار داده است. 700b1 S6 a35 Sa, Sb توماس استرنز، S7 1888-1965 S6 a35 Sa, Sb Thomas Stearns در این مثال میدان فرعی S6 دو میدان 700 را با استفاده از رابطه a35 به هم ربط می دهد و میدان فرعی S7 با استفاده از رمز ba که در میدان 100 یونانی مارک به خط لاتین اختصاص داده شده است نشان می دهد که خط به کار رفته در این میدان (یعنی میدان 700 که در آن نام توماس الیوت به زبان انگلیسی نوشته شده) خط لاتین است.

در همین قسمت منظور نویسنده از عبارت «فیلد اصلی» در جمله «... و فیلد فرعی S7 شامل کدی برای الفبا و رسم الخط محتویات فیلد اصلی است.» مشخص نیست. آیا مثلاً در مثال بالا فیلد اصلی همان میدان 700 است که در اول آمده؟ در چنین صورتی میدان فرعی S7 الفبا و رسم الخط آن را نشان نمی دهد، بلکه الفبای خطی را نشان می دهد که در میدان 700 دوم به کار رفته است، یعنی الفبای لاتین. همچنین ظاهراً به دلیل اشتباه چاپی، در جمله «این فیلد وقتی که الفبا و رسم الخط با الفبای به کار گرفته شده در فیلد شماره 100 یکی باشد، حذف می شود»، کلمه فیلد فرعی، فیلد نوشته شده است.

۶. در قسمت شکل حروف فارسی نیز چند نکته قابل ذکر است. اولاً حداقل از نظر کامپیوتر حروف ا، د، ذ، ز، ژ، ط و ظ به دو صورت نوشته می شوند. مثلاً حرف الف به دو صورت «ا» در آغاز و نیز به صورت تنها، و «ا» در حالت چسبان و میانی نوشته می شود. ثانیاً حروف «ف» و «ق» چهارگونه دارند: تنها (ف، ق)، آخر (ف، ق)، آغازین (ف، ق)، و میانی (ف، ق). ثالثاً در زبان لاتین نیز نمی توان تمام حروف را بین دو خط موازی محاط کرد، مثلاً در کلمه Transliteration که در صفحه ۸۲ همان مقاله نوشته شده حروف a، e، و مثلاً n از نظر ارتفاع با هم فرق می کنند و قراردادن آنها بین دو خط موازی امکان ندارد.

#### نگاتی درباره فرمت مارک ایران

همان گونه که قبلاً ذکر شد اینجانب پس از بررسی فرمت های

